

The Reflection of Religious Practices and Symbols of Guilanis in Qajar-era Travelogues¹

Hamidreza Tahiri², Reza Alizadeh³, Mohammadreza Gholami⁴

Abstract

One of the best ways to understand various phenomena related to political and economic structures, as well as the public and social culture, is to examine the perspectives of individuals who evaluate these phenomena as external observers. Therefore, studying the works left behind by travelers and tourists who visited Guilan for various purposes and recorded their experiences in travelogues or memoirs is of great importance. The main research question addressed in the present study is: How were the religious practices of Guilanis reflected in the travelogues of the Qajar era? In the present study, using quantitative content analysis, an effort was made to explore and represent the

1. This article is obtained from the student's Master's thesis entitled "The Political and Religious Representation of Guilanis in European Travelogues of the Qajar Period" at the Non-Profit and Non-Governmental Koshyar Institute.

2. M.A. in Research, Non-Profit and Non-Governmental Koshyar Institute, Rasht, Iran. hmaidrezatahriri@yahoo.com

3. Assistant Professor and Faculty Member, Guilan Research Institute, University of Guilan, Rasht, Iran. (Corresponding Author). Rezaalizadeh@guilan.ac.ir

4. Associate Professor and Faculty Member, Department of Social Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran, email: Mgholami2014@yahoo.com

Received: December 21, 2024 - Accepted: March 9, 2025



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

religious practices and symbols mentioned in European travelogues from the Qajar period, with the aim of gaining a deeper understanding of Guilan's social history. Theoretically, using Stuart Hall's *Theory of Representation*, selected indicators and categories were examined within the geographical context of Guilan, as seen through the eyes of thirteen European travel writers—those who either resided in Guilan or passed through the region at certain times. The obtained data were categorized into three main themes including "Rituals and Symbols" (with the highest frequency of indicators such as religious sites, prayers and supplications, and attention to prophets), "Religious Laws" (with the highest frequency of indicators such as women's veiling, the impurity of non-Muslims, and alcohol consumption), and "Religions" (focusing on Islam and Christianity).

Keywords: Hall's representation, religious practices, travelogue, Qajar era, Guilan.

بازتاب کنش‌ها و نمادهای دینی گیلانیان در سفرنامه‌های عصر قاجار^۱

حمیدرضا تحریری^۲، رضا علیزاده^۳، محمدرضا غلامی^۴

چکیده

یکی از بهترین راه‌ها برای شناخت پدیده‌های گوناگون مرتبط با ساختارهای سیاسی و اقتصادی و همچنین فرهنگ عمومی و اجتماعی، بررسی دیدگاه افرادی است که به‌مثابه ناظر خارجی پدیده‌ها را ارزیابی می‌کنند؛ از این رو، بررسی آثار به‌جامانده از سیاحان و جهانگردانی که با اهداف گوناگون به گیلان سفر کرده و سفرنامه یا کتاب خاطرات به جا نهاده‌اند، حائز اهمیت است. سؤال اصلی تحقیق آن است که کنش‌های دینی گیلانیان چگونه در سفرنامه‌های عصر قاجار منعکس شده است؟ در پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کمی، تلاش شده است تا در راستای شناخت و آشنایی بیشتر با تاریخ اجتماعی گیلان، به واکاوی و بازنمایی کنش‌ها و نمادهای دینی مطرح‌شده در سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجار پرداخته شود؛ از جنبه نظری با استفاده از نظریه بازنمایی استوارت هال شاخص‌ها و مقوله‌های گزینش‌شده، در حیطه جغرافیایی گیلان از نگاه سیزده سفرنامه‌نویس اروپایی مورد بررسی قرار گرفته

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشجوی با عنوان «بازنمایی سیاسی و مذهبی گیلانیان در سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجار» در مؤسسه غیرانتفاعی و غیردولتی کوشیار است.

۲. کارشناسی ارشد پژوهش مؤسسه غیرانتفاعی و غیردولتی کوشیار، رشت، ایران. hmaidrezatahri@yahoo.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)
Rezaalizadeh@guilan.ac.ir

۴. دانشیار و هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Mgholami2014@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹



است؛ سفرنامه‌نویسانی که در گیلان اقامت داشته و یا در مقاطعی از این سرزمین عبور کرده‌اند. داده‌های به‌دست آمده در قالب سه مقوله اصلی «مناسک و نمادها» با بیشترین فراوانی شاخص‌های اماکن مذهبی، دعا و توسل و توجه به پیامبران، «احکام» با بیشترین فراوانی حجاب زنان، ناپاک‌بودن غیرمسلمان و شراب‌خواری و «ادیان» توجه به ادیان اسلام و مسیحیت دسته‌بندی شدند.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی هال، کنش‌های دینی، سفرنامه، قاجاریه، گیلان.

۱. بیان مسئله

از عصر قاجار میزان مسافرت سفرنامه‌نویسان و سیاحان به شکل گسترده‌ای به ایران گسترش یافت، و از آنجاکه دوره قاجار زمان مواجهه ایران با مدرنیته و مظاهر آن است، سیاحان با اشکال و نیت گوناگون به تماشای ایران مشغول شدند. جهانگردان با مأموریت‌های سیاسی و اجتماعی، تصاویر متنوعی از ایران منعکس کرده‌اند. بیشتر سفرنامه‌های اروپاییان در عصر صفویه و قاجاریه حول محور مسائل اجتماعی، سیاسی و نظامی است؛ البته در بین متفکرین، درباره انگیزه سیاحان اختلاف نظر وجود دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۱۸۱). مؤلفه‌هایی مانند سبک زندگی ایرانیان، سیاست، فرهنگ و مسائل زنان در سفرنامه‌ها مورد توجه فراوان قرار گرفته است. در زمان حکومت قاجار، جهانگردان و سیاحان بسیاری از راه‌های آبی و خشکی گیلان وارد ایران شدند و اطلاعات فراوانی را از اوضاع و احوال این خطه سرسبز و کهن به رشته تحریر در آوردند. از طرفی گیلان نیز به دلیل دارا بودن پیشینه تاریخی، موقعیت خاص طبیعی و جغرافیایی و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تقریباً منحصر به فرد همواره مورد توجه سیاحان خارجی بوده است؛ این افراد که برخی از آن‌ها مدتی را در این خطه اقامت می‌گزیدند و برخی دیگر در مسیر سفر خود از گیلان عبور می‌کردند، خاطرات، دیده‌ها و شنیده‌های خود را در خصوص مسائل گوناگون منطقه نوشته و در بازگشت به موطن خود به چاپ می‌رساندند.

در دوره قاجار ارتباط ایران با برخی از کشورهای پیشرفته و دارای قدرت که سودای حضور پررنگ‌تر در این سرزمین را داشتند، گسترش یافت و مردم ایران با

مردمانی که از سرزمین‌هایی دیگر به کشورشان آمده بودند، روبه‌رو می‌شوند. وضعیتی که خواسته یا ناخواسته با تأثیر بر ساختارهای مختلف کشور، بر ارزش‌ها و شیوه زندگی عامه مردم تأثیرگذار بود و تغییرات و دگرگونی‌های عمده‌ای را در آن برهه از تاریخ ایران ایجاد کرد. گیلان به دلیل نزدیکی به روسیه و وجود راه‌های آبی جهت سفر به غرب اهمیت بیشتری پیدا کرد. با بررسی‌های انجام‌شده، سیاحان خارجی که در دوران قاجار با اهداف و مقاصد گوناگون به گیلان سفر کرده‌اند، از ملیت‌های مختلف از قبیل فرانسه، آمریکا، انگلیس، روسیه، آلمان، بلژیک، لهستان، دانمارک و ژاپن هستند که در پژوهش حاضر سیزده سفرنامه اروپایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. سفرنامه‌های بررسی‌شده به موضوعات دینی اشاره داشته‌اند و میزان قابل توجهی از امور دینی را در سفرنامه‌ها منعکس کرده‌اند.

مسئله اصلی مقاله بررسی میزان توجه سفرنامه‌نویسان اروپایی در مواجهه با کنش‌ها و نمادهای دینی مردم گیلان است. گیلان در عصر سنت به سر می‌برد و رویارویی غربیان با مهم‌ترین مظهر سنت یعنی دین بسیار جالب توجه است؛ از این رو با توجه به اینکه سفرنامه‌ها از بهترین منابع دسترسی به این نوع از اطلاعات است، حجم و چگونگی بازتاب آن‌ها در این مکتوبات مورد بررسی قرار گرفته است.

در مقاله از نظریه بازتابی استوارت هال^۱ برای تشریح کنش‌ها و نمادهای دینی در آثار بررسی‌شده استفاده خواهد شد. استوارت هال توضیح می‌دهد که بازنمایی بسیار پیچیده است؛ در ظاهر، امری بسیار ساده نشان می‌دهد، شی ملموس، چه حروف چاپ‌شده یا صداها، گفتاری، نشان‌دهنده امری انتزاعی است. از نظر هال بازنمایی توانایی توصیف یا تصور است؛ بازنمایی از آن جهت اهمیت دارد که فرهنگ همواره از طریق معنا و زبان شکل می‌گیرد؛ در این صورت زبان شکل نمادین یا شکلی از بازنمایی است (Hall, 2004: 18-20). در مطالعه و بررسی سفرنامه‌ها، ضمن توجه به آنچه سیاح به عنوان خاطرات مطرح می‌کند باید به نوع تحلیل و روایت وی از جامعه میزبان که می‌تواند گاهی همراه با یک‌سونگری، برداشت‌های جانبدارانه و نیت مغرضانه نیز باشد نگاه ویژه‌ای داشت. آشنایی با عقاید مذهبی و سیاسی، فرهنگ، باور، اخلاق و

1. stuart Hall

رفتار عامه مردم، از دیدگاه جهانگردانی که به دلایل مختلف به این دیار سفر کرده‌اند، می‌تواند به شناختی فراسوی آنچه تاکنون گفته یا شنیده شده است، منجر شود. سفرنامه‌ها منابعی هستند که می‌توان با مطالعه آن‌ها به نوع نگرش در خصوص سرزمین، آیین‌ها، روابط سیاسی و اجتماعی، باورهای دینی و مذهبی و همچنین ویژگی‌های منحصربه‌فرد و جنبه‌های مثبت و منفی شخصیت ایرانیان پی برد؛ در واقع از لایه‌لای همین سطور است که انگیزه‌های اصلی و دلایل واقعی آن‌ها از حضور در ایران مشخص شده و می‌توان با کمی نکته‌شناسی و تیزبینی از اهداف، مقاصد و لایه‌های زیرین و مستور این سفرها آگاه شد. اهداف مقاله شامل موارد زیر است:

۱. بازنمایی شاخصه‌ها و مقوله‌های دینی گیلان در سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجار
 ۲. بررسی آماری میزان بازنمایی شاخصه‌های دینی گیلانیان در سفرنامه‌های اروپایی عصر قاجار
 ۳. بررسی نظرات و نگرش‌های سیاحان اروپایی دوره قاجار درباره باورهای دینی مردم گیلان
- در مقاله با توجه به اهداف مطرح شده و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی که کمتر در مطالعات تاریخی به کار گرفته می‌شود، شاخص‌ها و مقولات دینی استخراج و دسته‌بندی می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

علیرضا احمدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «گیلان و گیلانی‌ها از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی دوره قاجار» به بررسی و آشنایی فرهنگ و باورهای عامه مردم گیلان در منابع اروپایی عهد قاجار پرداخته است. وی کوشیده اس، وجه‌تسمیه گیلان، آب‌وهوای منطقه، باورهای عامه و آداب‌ورسوم مردم گیلان، ویژگی‌های زنان و مردان گیلانی، مذهب و اعتقادات مذهبی مردم، اماکن مذهبی این خطه و اهمیت آن در باورهای مردم گیلان، تعلیم و تربیت و نظام آموزشی و همچنین اوقات فراغت و تفریحات ساکنین گیلان را به‌طور مختصر در جملات سفرنامه‌نویسان مورد بررسی قرار دهد. سفرنامه‌نویسان اروپایی مردم گیلان را معتقد و مذهبی دانسته‌اند که روحانیت در بین آنان دارای نفوذ بوده و نقش تعلیمی برای فرزندان ایشان ایفا می‌کردند.

لیلا کریمی و فریبا گراوندی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «گیلان در آیین سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی: مطالعه موردی جهانگردان آلمان و فرانسه» با رویکرد توصیفی-تحلیلی

تصویر فرهنگ جامعه گیلان در شش سفرنامه اولناریوس، ساموئل گوتلیب، ویبرت فون بلوشر، پیرآمدی ژوبر، بهلر و هانری مورد بررسی قرار داده است. بیشترین موضوعی که جهانگردان به آن پرداخته‌اند، وضعیت جغرافیایی گیلان است، اما از بین عناصر مختلف فرهنگی مردم خطه گیلان، معماری، ویژگی‌های ظاهری، پوشاک زنان و مردان و توصیف رفتارها و فرهنگ‌هایی که در هنگام سفر به گیلان دیده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه آنان در آثار سفرنامه‌نویسان، اشتباهات و لغزش‌هایی نیز وجود دارد که ناشی از اطلاعات ناکافی، اقامت کوتاه در ایران، آشنابودن به زبان فارسی و پیش‌داوری آنان است.

علی‌اکبر محمدی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «مرکز گیلان در دوره قاجاریه از دیدگاه سیاحان خارجی از آغاز قرن هجدهم تا اواخر قرن نوزدهم» به بررسی تاریخی موقعیت جغرافیایی گیلان خصوصاً شهر رشت به‌عنوان مرکز استان، تحولات و دگرگونی‌های نظام شهری این منطقه و معرفی جهانگردانی مانند الکساندر خودزکو، بهلر، گریگوری ملگونوف، چارلز مک‌نزی، کارلا سرنا، بنجامین، لرد کرزن و دکتر فوریه پرداخته است. وی سیاحانی را که در عصر قاجار از ایران دیدن کرده‌اند، به هیئت‌های نظامی، سیاسی، توریستی، علمی، بازرگانی، مذهبی، پزشکی و فنی تقسیم‌بندی کرده است. به باور وی، قرن نوزدهم عصر هجوم غارتگران و استعمارگران به ایران بود که این امر در آثار محققین و سفرنامه‌های سیاحانی که در عهد قاجاریه به‌دلیل آگاهی‌شان و همچنین تسهیل مسافرت به ایران آمده‌اند، به‌وضوح دیده می‌شود. وی مهم‌ترین هدف سیاحان از مسافرت به کشور ایران را نیازهای اجتماعی و سیاسی می‌داند.

حاتم و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تصاویر اجتماعی و فرهنگی آداب‌ورسوم قاجار-ایران در سفرنامه‌های اروپاییان» به بررسی واکنش مسافران اروپایی به آداب‌ورسوم عصر قاجار، مقایسه تغییرات آداب‌ورسوم آن دوره با عصر کنونی و شناسایی عوامل مؤثر بر این تغییرات می‌پردازند. فرض مقاله مذکور بر این است که برخی از اروپاییان در مواجهه با آداب‌ورسوم ایرانی، از فرهنگ ایرانی انتقاد می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند آداب‌ورسوم مربوط به جشن‌ها و عزاداری‌ها از زمان قاجار تغییر قابل توجهی یافته است و مشخص شده است که تغییرات اجتماعی و سیاسی همراه با مسائل جهانی‌شدن بر تحول آداب‌ورسوم تأثیر می‌گذارد. روش گردآوری اطلاعات این پژوهش کتابخانه‌ای و بر اساس رویکرد تحلیلی و توصیفی است؛ همچنین ضمن شناسایی و معرفی مدل هشت

عاملی مؤثر بر تغییر فرهنگ، نقش مهم تغییرات اجتماعی و فرهنگی و جهانی شدن در تغییر فرهنگ و تغییر آداب و رسوم مورد تأیید قرار گرفته است.

مهدوی (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «زندگی روزمره در ایران/اواخر عصر قاجار» به بیان این نکته می‌پردازد که تاریخ اجتماعی ایران به طور عام و عهد قاجار به طور خاص کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. موضوع این مقاله، زندگی خصوصی در اواخر دوره قاجار، احتمالاً به این دلیل انتخاب شده است که مطالب اولیه زیادی در مورد آن وجود ندارد و به سختی به آن پرداخته شده است. هیچ گزارش جامعی از زندگی روزمره مردم طبقات و مشاغل مختلف وجود ندارد؛ در این مقاله سعی بر آن است تا گزارشی از زندگی روزمره و فعالیت‌های خانگی خانوار در دوره قاجار ارائه شود. از آنجایی که بین زندگی روزمره در خانوارهای شهری و روستایی تفاوت‌های عمده‌ای وجود داشت، بحث به مناطق شهری محدود می‌شود؛ این مقاله به نقش اعضای مختلف خانواده و همچنین الگوهای مصرف خانواده و کسانی که از داخل یا خارج از خانواده به نیازهای آن پرداخته‌اند، می‌پردازد.

مهدوی (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «شاه، دکترها، دیپلمات‌ها و مبلغان مذهبی در اواخر قرن نوزدهم» بیان می‌کند در اواسط قرن نوزدهم، تأثیر غرب در بسیاری از جنبه‌های زندگی در ایران، از حوزه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی تا اقتصادی احساس شد. در کل این ایده‌ها و ایدئولوژی‌های برخاسته از غرب بود که در نهایت بر هر نهاد اجتماعی و دیدگاهی نسبت به زندگی تأثیر گذاشت و یکی از رشته‌های متأثر از آن رشته طب سستی بود. عوامل اصلی این تأثیر، پزشکان اروپایی شاهان قاجار و اشراف، پزشکان منصوب به نمایندگی‌های دیپلماتیک، اعضای پزشکی هیئت‌های مسیحی و دانشجویانی بودند که برای تحصیل پزشکی به خارج از کشور اعزام شدند و برای انجام آن به ایران بازگشتند؛ این مقاله به بررسی ابعادی از تاریخچه ورود طب غربی به ایران می‌پردازد و هم‌زمان به بررسی این فرضیه می‌پردازد که نقش قدرت‌ها و مبلغان خارجی در ورود طب غربی به ایران کاملاً نوع‌دوستانه نبود، بلکه مربوط به امور غیرپزشکی بوده است؛ در مجموع می‌توان گفت مقالات تدوین‌شده با استفاده از رویکردهای تاریخی و توصیفی به موضوعات سفرنامه‌های درباره گیلان پرداخته‌اند، اما وجه ممیزه مقاله حاضر عبارت است از استفاده از رویکرد بازتابی استوارت هال؛ زیرا این رویکرد به محقق اجازه می‌دهد تا نه تنها به توصیف کنش‌های دینی بپردازد؛ بلکه به بررسی نحوه بازتابی این کنش‌ها

از دیدگاه سیاحان اروپایی و تأثیرات ایدئولوژیک و فرهنگی نویسندگان سفرنامه‌ها نیز توجه کند؛ همچنین استفاده از روش تحلیل محتوای کمی در تحلیل سفرنامه‌ها، دیگر شاخصه مقاله است؛ زیرا این روش به محقق اجازه می‌دهد تا داده‌ها را به صورت سیستماتیک و با دقت بیشتری تحلیل کند؛ در ضمن، با استفاده از کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم، مقوله‌های اصلی و شاخص‌های عملیاتی استخراج شده‌اند که این امر به ساختارمند شدن تحلیل کمک کرده است؛ همچنین تمرکز بر کنش‌ها و نمادهای دینی تا ویژگی‌های فرهنگی به معنای عام و جغرافیای صرف، بررسی سیزده سفرنامه اروپایی که کمتر مقاله‌ای در این حد بدان پرداخته و تلفیق رویکرد کمی با داده‌های عینی و کیفی از ویژگی‌های مقاله پیش‌رو است.

۳. ادبیات نظری

مفهوم بازنمایی^۱ برای نشان‌دادن رابطه بین گفتمان قدرت و دانش است و بیان می‌کند چگونه معنا در چهارچوب یک موضوع خاص ایجاد می‌شود؛ همچنین نشانه‌ها می‌تواند بصری و نمادین باشند (Hall, 1997: 13-14). مفهوم بازنمایی به شدت وام‌دار آثار استوارت هال است. وی با اتکا به افکار گرامشی و آلتوسر مدعی است که پیام‌های ایدئولوژیک در رسانه‌ها بیشتر با ایجاد تصویری کاذب از واقعیت عمل می‌کنند؛ از این‌رو مقولاتی که می‌توانستند مسئله‌ساز باشند، طبیعی جلوه می‌کنند. (اسمیت، ۱۳۸۷: ۲۴۷). از نظر هال بازنمایی معنا و زبان را به فرهنگ پیوند می‌دهد. بازنمایی بخش ضروری از فرایند تولید و مبادله معنا بین اعضای یک فرهنگ است. با استفاده از زبان، نشانه‌ها و تصاویر نشان داده می‌شوند. زبان برای نشان‌دادن یک شی، مفهوم یا ایده به شیوه‌ای معنادار است؛ زبان نشان می‌دهد چگونه این مفاهیم برای شخص دیگری قابل درک است (Hall, 1997: 16). هال سه رویکرد مختلف بازنمایی را این گونه بیان می‌کند:

۱. رویکرد بازتابی^۲: معتقد است که کارکرد زبان مانند یک آینه بازتاب معنای صحیح و دقیقاً منطبق از جهان است. آیا زبان صرفاً معنایی را منعکس می‌کند که پیشتر در جهان اشیاء، افراد و رویدادها وجود دارد؟ (Hall, 2005). از نظر رویکرد بازتابی، استفاده از زبان با تعمق در معنایی است که از قبل وجود دارد. در این مدل هال اعتقاد دارد که معنا در افراد

1. representation

2. Reflective

ذاتی است. فرایند نام‌گذاری اشیا و اماکن بازتابی ساده از حقیقت یا درون آن است (Ibid, 2005).

۲. رویکرد تعمیدی یا قصدی^۱: آیا زبان تنها چیزی را بیان می‌کند که گوینده، نویسنده یا نقاش می‌خواهد بگوید؟ (Ibid, 2005). زبان برای بیان فضای مورد نظر فرد است، در این مدل فرض بر آن است که نویسنده یا گوینده خالق آن است (Ibid, 1997: 15). در این رویکرد معنای ابژه‌ها، اشخاص، ایده‌ها یا حوادث رویدادها در جهان واقعی نهفته است و کارکرد زبان به‌عنوان یک آیین، بازتاب دادن معنای حقیقی اشیا است که ذاتی آن‌هاست، اما بر اساس رهیافت نیت‌مندی، کلمات آن معنایی را دارند که گوینده می‌خواهد داشته باشد (Ibid, 2003: 24).

۳. رهیافت برساخت‌گرایانه^۲: که سؤال اصلی آن است که آیا معنا در زبان و از طریق آن ساخته می‌شود؟ (Ibid, 1997: 15). برساخت‌گرایی ایجاد معنا از طریق استفاده از زبان به یک معنای دیگر است (Ibid, 2003: 25). در مقاله حاضر تنها از رویکرد بازتابی برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده استفاده خواهد شد.

۴. روش‌شناسی

با توجه به موضوع مورد بررسی که مطالعه کنش‌ها و نمادهای دینی گیلانیان در سفرنامه‌های دوران قاجار است؛ تحقیق حاضر از نوع تحقیق کاربردی و بر اساس تکنیک تحلیل محتوای کمی است.

جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی سفرنامه‌نویسان اروپایی دوره قاجار دربرمی‌گیرد. براین اساس سیزده سفرنامه نوشته‌شده توسط سیاحان، جهانگردان و مأمورین سیاسی دولت‌های اروپایی دوران قاجار که در گیلان اقامت داشته یا از این محدوده عبور کرده و در نوشته‌هایشان به موضوع دین پرداخته‌اند، نمونه‌های آماری این پژوهش هستند. واحد تحلیل در این مقاله پاراگراف بوده و تمام مفاهیم، مصادیق و شاخصه‌های «دینی» ذکرشده در این سفرنامه‌ها شناسایی و سپس با انجام کدگذاری اولیه یا باز، جملات و عباراتی که در راستای اهداف تحقیق بودند، شناسایی شدند. در

1. Intentional
2. Constructive

ادامه نیز با استفاده از کدگذاری محوری نسبت به حذف کدهای تکراری و ادغام کدهای مشترک اقدام شد؛ درنهایت از طریق طبقه‌بندی مفاهیم منتخب و انجام کدگذاری اولیه و گزینشی، در هر کدام از زمینه‌های هدف (دین)، سه مقوله اصلی انتخاب و مدنظر قرار گرفتند؛ که شامل مقوله مناسک و نمادهای دینی با هفت شاخص عملیاتی، مقوله احکام دین اسلام با هشت شاخص عملیاتی و مقوله ادیان با چهار شاخص عملیاتی، مقوله‌هایی هستند که بررسی و تحلیل آن‌ها پژوهشگر را در پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق و رسیدن به اهداف آن قادر می‌سازد.

(جدول-۱): سفرنامه‌نویسان و جهانگردان مورد مطالعه

ردیف	نام جهانگرد	ملیت	زمان سفر	موضوع سفرنامه	هدف از سفر	دوره شاه قاجار
۱	پیر آمده ژوبر	فرانسوی	۱۸۰۵م	آداب و رسوم	سیاسی	فتحعلی‌شاه
۲	چارلز مکنزی	انگلیسی	۱۸۵۸م	جغرافیا	سیاسی	ناصرالدین‌شاه
۳	هاینریش بروگش	آلمانی	۱۸۵۹م	آداب و رسوم	سیاسی	ناصرالدین‌شاه
۴	گریگوری ملگونف	روسی	۱۸۶۰م	جغرافیا	سیاحت و تحقیق	ناصرالدین‌شاه
۵	مادام کارلاسرنا	ایتالیایی	۱۸۷۷م	آداب و رسوم	سیاحت	ناصرالدین‌شاه
۶	ارنست اورسل	بلژیک	۱۸۸۲م	جغرافیا	تحقیقی	ناصرالدین‌شاه
۷	یاسنت لوئی رابینو	فرانسوی	۱۸۸۵م	جغرافیا	سیاسی	ناصرالدین‌شاه
۸	هانری بایندر	فرانسوی	۱۸۸۶م	جغرافیا	تحقیقی	ناصرالدین‌شاه
۹	کلنل کاساکوفسکی	روسی	۱۸۹۴م	سیاسی	سیاسی	ناصرالدین‌شاه
۱۰	هانری رنه	آلمانی	۱۹۰۷م	اقتصاد و کشاورزی	سیاحت	محمدعلی‌شاه
۱۱	کلود آنه	فرانسوی	۱۹۰۹م	جغرافیا	تحقیقی	احمدشاه
۱۲	بازل نیکیتین	روسی	۱۹۱۱م	سیاست و تاریخ	سیاسی	احمدشاه
۱۳	مارچنکو	روسی	۱۹۱۸م	اقتصاد و سیاست	سیاسی	احمدشاه

۵. یافته‌ها

با توجه به اینکه نمونه آماری این تحقیق، سفرنامه‌های نوشته‌شده توسط اروپاییان دوره قاجار، در خصوص ابعاد دینی گیلانیان است، داده‌های آماری شاخص‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با موضوع تحقیق بر اساس میزان توافق بین آن‌ها، معیارها و مقوله‌های تحلیلی در جداول زیر نمایش داده شده است.

(جدول-۲): توزیع فراوانی مقوله مناسک و نمادهای دینی

شاخص‌های عملیاتی	فراوانی	درصد
اماکن مذهبی	۲۴	۳۱/۶
دعا، توسل و نذری	۱۶	۲۱/۱
پیامبران و امامان	۱۰	۱۳/۱
روحانیون	۱۰	۱۳/۱
مراسم محرم و تعزیه	۸	۱۰/۵
کتیبه و سنگ‌نوشته مذهبی	۵	۶/۶
نماز و قرآن	۳	۴
مجموع	۷۶	۱۰۰

داده‌های به‌دست‌آمده حاکی از آن است در مقوله «مناسک و نمادها» بیشترین فراوانی به اماکن مذهبی اشاره دارد؛ سپس توجه به دعا و توسل، اشاره به پیامبران و امامان و بالاخره روحانیون بیشترین اشاره را در این مقوله به خود اختصاص داده‌اند؛ مثلاً رابینو در خصوص «دیگه‌سرا» از توابع اسالم و دو زیارتگاه آن ذکر کرده است: «نام مرکز این منطقه دیگه‌سرا است. دیگه‌سرا دهکده‌ای است که به فاصله دو فرسنگی دریا قرار گرفته و در کنار رودی به همین نام واقع شده است. دیگه‌سرا در حدود سی خانه و زیارتگاهی به نام بستانگاه بزرگوار دارد و دارای بیشه‌ای از شمشاد به نام «پیرخواجه» است که مورد احترام اهالی است. در ملا محله که در حدود نیم فرسنگی دیگه‌سرا واقع شده است، مقبره‌ای به نام «پیرهرات» وجود دارد» (رابینو، ۱۳۵۷: ۱۱۲). یا در خصوص مراسم مذهبی کلود آنه با شور و شعفی فراوان، اشتیاق خود را از دیدن نمایش تعزیه در یکی از میدان‌های شهر رشت، با این جملات بیان می‌کند: «سپس از کنار مسجدی محقر و کم ارتفاع رد شدیم و به میدانی که عده زیادی در آن اجتماع کرده بودند رسیدیم. درشکه‌ها توقف کردند. در یک ضلع میدان، در امتداد ساختمانی با ستون‌های چوبی، زنان رو بسته نشسته بودند و سه ضلع دیگر را مردان و کودکان اشغال کرده بودند. قسمت وسط میدان از جمعیت خالی بود و در میان آن صفت کوچکی به پا کرده بودند و پرسوناژهایی که مردم برای تماشای ایشان گرد آمده بودند روی این صفت ایستاده یا نشسته بودند. چیزی نمانده بود از شدت شوق به هوا بپریم، چون بدون تردید اکنون شاهد

یکی از تعزیه‌ها یا نمایش‌های مذهبی ایرانی بودیم که گوینو نیز درباره آن مطالب هیجان‌انگیزی نوشته است» (آنه، ۱۳۷۰: ۱۱۶).

همچنین کاساکوفسکی در خصوص روابط مجتهد بزرگ رشت با حکمران گیلان، در دوران ناصرالدین‌شاه قاجار که به توعی اشاره به تأثیر روحانیت دارد، این چنین می‌نویسد: «بزرگترین مجتهد رشت، شریعتمدار است. در زمان حکمرانان گذشته بخصوص در حکومت مشیرالسلطنه آخرین حاکم رشت، این مجتهد در حل و فصل کلیه امور گیلان دخالت کلی داشته و ساعت‌های متمادی در حضور حکمران بوده و مشترکاً به رتق و فتق امور می‌پرداختند. مجتهد برای حکمران منابع جدید مداخل بدست می‌آورد و حکمران هم برای مجتهد متقابلاً رضایت همدیگر را فراهم می‌کردند. شعاع السلطنه با انتصاب به حکومت گیلان، شریعتمدار را به کلی کنار گذاشته و مستقلاً به اداره امور پرداخت و موجبات رنجش جماعات را فراهم کرد. شریعتمدار با استفاده از عدم رضایت عمومی، امروزها اغتشاش‌های بزرگی علیه او برانگیخته است» (کاساکوفسکی، ۱۳۴۴: ۱۰۲ و ۱۰۳).

یا اورسل در مسیر سفر دریایی خود از روسیه به آستارا و سوارشدن به کرجی برای رسیدن به خشکی، درباره قدرت کلمات و عبارات مذهبی که نشانه توجه به امامان شیعه است این چنین می‌نویسد: «کشتی تانمارا در فاصله نسبتاً زیادی از ساحل لنکران، لنگر انداخت. قایق‌های باریک و درازی که ته هموار و کم‌عمقی داشتند با شش سرنشین از بومیان، که با قدرت عجیبی در میان امواج تند دریا به سوی کشتی پارو می‌زدند به طرف ما روانه شدند. آنها با فریاد «یا الله»، «یا محمد»، «یا علی» با تمام نیروی خود با امواج می‌جنگیدند» (اورسل، ۱۳۸۲: ۱۶۲). در خصوص دعا و توسل کارلا سرنا پس از ورود به رشت، به مسئله شیوع طاعون در این شهر و رفع آن پرداخت: «مدتی این آفت در رشت جا خوش کرد، ولی خوشبختانه عمرش زیاد نبود. به سرعت بیماری به اطراف هم سرایت کرد و خاصه در جاهایی که «امامزاده» وجود داشت و مردم برای ریشه‌کن کردن بیماری به دعا و زیارت متوسل شده و به آنجاها روی آورده بودند، تلفات بیماری بیش از جاهای دیگر بود. مدت هفت تا هشت ماهی که طاعون در آن نواحی شیوع پیدا کرده بود، از مردم رشت و حوالی آن بیش از چهار هزار قربانی گرفت؛ تعداد بیماران شفا یافته را در حدود دو برابر آن تخمین می‌زنند» (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۷۱).

رایینو درباره درختی در رشت این چنین نوشته است: «در محله کیاب درختی است که به نام آقا بی بی زینب نام دارد و یکی از زیارتگاه‌های زنان نازا به شمار می‌رود» (رایینو، ۱۳۵۷: ۸۴). مکنزی در مسیر عزیمت به شرق ایالت گیلان در خصوص مقبره‌ای واقع در شهر آستانه و استقبال از وی در لاهیجان این گونه می‌نویسد: «بین کیسم و لاهیجان دهات کول ده، بازکیاگوراب و تجن ۴ امامزاده بودند که مهمترین و آخرین آنها، آستانه نام دارد. شهر لاهیجان در یک فرسنگی آن قرار دارد. بزرگواری که در آنجا به خاک سپرده شده است، سید جلال الدین اشرف پسر امام موسی کاظم (ع) امام هفتم است که در نزدیکی بغداد مدفون است و برادر امام رضا (ع) است که مقبره‌اش در مشهد است. در آن نزدیکی، دهی به همان نام وجود دارد که میگویند ۷۰ خانه دارد و در بازار آن، در فصل ابریشم، به زوار، مجاناً غذا می‌دهند. نیم فرسنگ قبل از لاهیجان، جنگل تدریجاً تمام می‌شود و چند تپه وجود دارد. در اینجا عده‌ای به استقبال ما آمده بودند. کاظم برادر کوچک میرزا محمود علیخان، حاکم لاهیجان پیشاپیش آنها و عده‌ای از اشخاص برجسته همراه وی بودند» (مکنزی، ۱۳۵۹: ۲۲). جملات اشاره شده به‌عنوان مصادیقی از مقوله مناسک و نمادها در نوشته‌های سیاحان و سفرنامه‌نویسان اروپایی به گیلان است. در مجموع ۶۶/۱ درصد از مفاهیم در مقوله مناسک و نمادها جای گرفته‌اند. به عبارتی بیشترین توجه سفرنامه‌های سیاحان گیلان به همین مقوله است.

(جدول-۳): توزیع فراوانی مقوله احکام دین اسلام

درصد	فراوانی	شاخص‌های عملیاتی
۲۷/۳	۶	حجاب زنان
۱۸/۲	۴	ناپاک‌بودن غیرمسلمان
۱۳/۶	۳	شراب‌خواری
۹/۱	۲	مراسم غسل و دفن مرده
۹/۱	۲	حرام‌بودن گوشت خوک و گراز
۹/۱	۲	رابطه نامشروع
۹/۱	۲	سنگسار
۴/۵	۱	قمار
۱۰۰	۲۲	مجموع

داده‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهند در مقوله «احکام دین اسلام» توجه به مفهوم حجاب، ناپاک‌بودن غیرمسلمان و شراب‌خواری بیشترین توجه سفرنامه‌نویسان را در این مقوله به خود جلب کرده است.

آنه درباره پوشش و برخورد زنان گیلانی، در مسیر جاده‌ای که روس‌ها از رشت به تهران احداث کرده بودند، می‌نویسد: «از مقابل کلبه‌های معدودی که در کنار جاده ساخته شده بود، گذشتیم. زنان روستایی با لباس‌های رنگارنگ در مزرعه یا باغچه‌های کوچک بی دیوار، جلوی کلبه سرگرم کارهای کشاورزی بودند و به محض دیدن ما، صورت‌های خود را با پارچه می‌پوشاندند» (آنه، ۱۳۷۰: ۱۲۳).

بایندر نیز در بدو ورود به رشت، درباره ناپاک‌بودن غیرمسلمانان شهر و رفتار مردمان آن این گونه می‌نویسد: «رشت شهری است دارای هزار و پانصد خانه و جمعیتی معادل بیست و پنج هزار نفر که خیلی متعصب هستند. هرچند از موقعیکه اروپائیان از راه رشت به تهران آمدو شد می‌کنند تا حدی از شدت تعصب آنها کاسته شده است. هنگامی که از نزدیک زنان رد می‌شویم، آنها خود را کنار کشیده، متفرق می‌شوند؛ مثل اینکه می‌ترسند آنها را آلوده سازیم» (بایندر، ۱۳۷۹: ۵۰۰).

مارچنکو در حین عبور از «سنگر»، تجربه‌اش را از دیدن مرده‌ای در کنار جاده و انجام ترتیبات مذهبی بیان کرده است: «در ایران مردن اگر هم از گرسنگی نباشد، دست‌کم نتیجه محرومیت‌هاست که در ایران بسیار اتفاق می‌افتد. فقیر محتضری را در کنار جاده دیدم؛ اول روحانی مسلمانی با تکه‌ای پارچه در دست ظاهر شد، سپس تخته‌ای برای بردن محتضر رسید، مرده را به جویی در آن نزدیکی بردند. روحانی لباس‌های او را در آورد و او را شست. دعا‌هایی خواند و او را در کفنی که به همراه آورده بود، پیچید. این آخرین مراسمی بود که برای آن مرده انجام می‌شد» (مارچنکو، ۱۳۷۱: ۵۸).

همچنین بروگش به هنگام عبور از پیربازار به رشت، درخصوص یکی از رسوم فروشندگان محلی در دوشنبه بازار سنگر نیز نوشته است: «بسیاری از فروشندگان هنوز این رسم قدیمی را حفظ کرده‌اند که سکه را از دست یک فرد مسیحی که به زعم آنان چون سایر غیرمسلمانان موجودی نجس است، درون کاسه‌ای پر از آب دریافت کنند» (بروگش، ۱۳۷۴: ۶۰).

کارلا سرنا به بیان حادثه تلخی که در رشت اتفاق افتاده و او نیز ناظر آن بود، می‌پردازد و این گونه شرح می‌دهد: «هنگامی که من در رشت بودم در یکی از این گورستانها حادثه غم‌انگیز و واقعاً بی‌سابقه‌ای اتفاق افتاد. یک زن ایرانی که در مظان این اتهام قرار گرفته بود که با یک مغازه‌دار ارمنی رابطه نامشروع دارد، در آنجا سنگسار شد» (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۷۳ و ۲۷۴).

نیکیتین در خاطرات سفر به شمال ایران نوشته است: «از گوشت خوک که در باتلاق‌ها و نیزارهای گیلان فراوان است استفاده نمی‌شود زیرا که در مذهب اسلام مصرف آن حرام است» (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۱۲۳). در این بخش برخی از جملاتی که سفرنامه‌نویسان درباره مقوله احکام نوشته‌اند آورده می‌شود که در مجموع ۱۹/۱ درصد از کنش‌های دینی گیلانیان را شامل می‌شود.

(جدول-۴): توزیع فراوانی مقوله ادیان

شاخص‌های عملیاتی	فراوانی	درصد
اسلام	۱۰	۵۸/۸
مسیحیت	۴	۲۳/۵
زرتشت	۲	۱۱/۸
یهود	۱	۵/۹
مجموع	۱۷	۱۰۰

در کتب سفرنامه‌نویسان در مقوله ادیان بیشترین اشاره به دین اسلام و سپس مسیحیت است. ژوبر وضعیت زندگی یهودیان ساکن در رشت را با جمله‌ای کوتاه توصیف کرده است: «در حدود ۵۰ خانوار یهودی در آنجا با بینوایی و حقارت زیست می‌کنند» (ژوبر، ۱۳۴۷، ۳۳۴). نیکیتین در مورد ورود اسلام به ایران می‌نویسد: «اگرچه به طور کلی اسلام مذهب عمومی و جهانگیر تصور می‌شد که باید نژادهای مختلف را با یک نوع اخوت مسلمانی در آغوش خود پناه دهد اما ایران پس از مغلوب‌شدن از اعراب به این نکته توجهی نکرد و به واسطه قبول تشیع خصایص ایرانی خود را حفظ کرد» (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۱۲۸)؛ وی همچنین از برخورد اتفاقی خود با یک فرد بهایی نوشته است: «در موقع اقامت رشت بر حسب اتفاق رابطه‌ای هم با بهائیان این شهر پیدا کردم. راهنمای من سید احمد باقر اوف بود که مانند هم‌مسلمانان ده سال قبل خود، آزاری ندیده بود افراد این فرقه بسیار محتاط‌اند و عقاید خود را اظهار نمی‌کنند مگر به کسانی که به آن‌ها اعتماد داشته

باشند (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۱۶۵)؛ ملگونف همچنین درباره حضور آرامنه در انزلی می‌نویسد: «در انزلی ۳۴ نفر ارمنی زندگی می‌کنند و یک روحانی هم دارند. می‌گویند حکومت ایران به آنها اجازه داده است در اینجا کلیسایی برای خود بسازند» (ملگونف، ۱۳۷۶: ۳۱۹). در مجموع ۱۴/۸ درصد از مقوله‌ها به موضوع ادیان و زندگی پیروان آن است.

(جدول-۵): جدول آماری میزان کاربرد مقوله‌های «دین» به تفکیک سفرنامه‌ها

ردیف	نماد	تکرار	نماد	تکرار	نماد	تکرار
فرهنگ	فرهنگ	فرهنگ	فرهنگ	فرهنگ	فرهنگ	فرهنگ
۱	پ.ا. ژوبر	۲	۰	۱	۳	۲/۶
۲	ج. مکنزی	۰	۹	۰	۹	۷/۸
۳	ه. بروگش	۱	۱	۰	۲	۱/۷
۴	گ. ملگونف	۰	۱۰	۳	۱۳	۱۱/۳
۵	م. کارلاسرنا	۶	۱۴	۰	۲۰	۱۷/۴
۶	ا. اورسل	۱	۵	۰	۶	۵/۲
۷	ی.ل. رابینو	۲	۲۰	۸	۳۰	۲۶/۱
۸	ه. بایندر	۱	۱	۰	۲	۱/۷
۹	کاساکوفسکی	۰	۱	۰	۱	۷/۸
۱۰	ه. رنه	۳	۰	۰	۳	۲/۶
۱۱	ک. آنه	۳	۳	۰	۶	۵/۲
۱۲	ب. نیکیتین	۱	۱۰	۵	۱۶	۱۴
۱۳	م. مارچنکو	۲	۲	۰	۴	۳/۵
مجموع		۲۲	۷۶	۱۷	۱۱۵	۱۰۰

در جدول بالا، تعداد و درصد بازنمایی هر مقوله دینی، به تفکیک هر سفرنامه‌نویس ذکر شده است؛ «رابینو» با ۲۶/۱ درصد، «کارلاسرنا»، با ۱۷/۴ و «نیکیتین» با ۱۴ درصد در سیاحت‌نامه خود، بیشترین توجه را به مقوله‌های دینی استان گیلان داشته‌اند.

۶. نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شد تا با در نظر گرفتن اهمیت بالای مکتوبات و اسناد تاریخی به ویژه سفرنامه‌ها به زبان و نوع بیان سیاحان اروپایی پرداخته شود. هدف آشنایی و شناخت بیشتر با ویژگی‌ها و مناسبات مذهبی و دینی مردمان گیلان در آن برهه از تاریخ است. جامعه آماری این تحقیق نیز سیزده سفرنامه از سیاحان و فرستادگان اروپایی حاضر در منطقه جغرافیایی گیلان است که سفرنامه خود را در خصوص این استان نوشته و یا در بخش‌هایی از مکتوبات خود به آن پرداخته‌اند؛ بنابراین بر اساس منابع مکتوب موجود و در دسترس، سفرنامه‌های ژوبر در دوران فتح‌علی‌شاه، مکنزی، بروگش، ملگونف، کارلا سرنا، اورسل، رایینو، بایندر، کاساکوفسکی از دوران حکومت ناصرالدین‌شاه، رنه در دوره محمدعلی‌شاه، آنه، نیکتین و مارچنکو نیز از دوران سلطنت احمدشاه قاجار مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از مطالعه و بررسی سیزده سفرنامه منتخب و با توجه به موضوع این تحقیق، در خصوص هر کدام از مفاهیم مذهبی، شاخص‌ها و زیرمقوله‌های بیان‌شده، پس از انتخاب، ادغام و تلفیق، سه مقوله اصلی به دست آمد که مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند؛ بدین ترتیب در مقوله «مناسک و نمادها» با ۶۶/۱ درصد و با هفت شاخص عملیاتی بیشترین فراوانی اختصاص به اماکن مذهبی دارد؛ به طوری که سفرنامه‌نویسان به نقش و جایگاه مساجد و امامزاده‌ها اشارات فراوانی داشته و این مکان‌ها را ملجأ و پناهگاه مردم قلمداد کرده‌اند. توصیف‌های دقیق از مراسم تعزیه و زیارتگاه‌ها نشان می‌دهد که این مراسم و مکان‌ها نه تنها اهمیت مذهبی، بلکه اهمیت اجتماعی و فرهنگی نیز داشته‌اند؛ همچنین در همین بخش چگونگی دعا و توسل مردم برای حل مشکلات برای سیاحان جالب بود؛ حتی گاهی با عبارات تعجب‌برانگیز از آن یاد کرده‌اند. مقوله «احکام» با ۱۹/۱ درصد و هشت شاخص عملیاتی در جایگاه دوم توجه قرار دارد که در اینجا نیز پوشش و حجاب زنان جلب توجه کرده است، توجه به حجاب زنان و ناپاک‌بودن غیرمسلمانان نشان می‌دهد که سفرنامه‌نویسان به تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی بین جامعه خود و جامعه میزبان حساس بوده‌اند و شاخص دیگر نیز برخورد با غیرمسلمانان از منظر نجاست و طهارت است. مقوله «ادیان» هم با ۱۴/۸ درصد و چهار شاخص عملیاتی با تأکید بر دین اسلام، در سفرنامه‌های مورد مطالعه مورد تأکید و اشاره قرار گرفته‌اند. توصیف‌هایی از زندگی یهودیان و ارامنه در

گیلان نشان می‌دهد که این جوامع اگرچه در اقلیت بودند، اما بخشی از ساختار اجتماعی و فرهنگی منطقه را تشکیل می‌دادند.

با توجه به دوره زمانی مربوطه، اشاره به برخی از نشانه‌ها و کنش‌های دینی مانند حلال یا حرام بودن گوشت برخی از حیوانات، سنگسار، نذری‌دادن، رنگ‌کردن مو و ریش، شراب‌خواری و قمار از یک طرف و پرداختن به مسائل و اعتقادات پررنگ مذهبی مثل برگزاری مراسم مربوط به ماه محرم و به‌ویژه تعزیه، نام‌بردن از پیامبران و امامان، نمادها بیان‌کننده آن است که این سفرنامه‌نویسان در بازنمایی‌شان به موارد کوچک، بزرگ و مهم توجه کرده و سعی کردند هر آنچه را که از نظرشان قابلیت بازگوکردن دارد، مطرح کنند.

ضمناً از بین سفرنامه‌نویسان مورد مطالعه به ترتیب رابینو، کارل اسرنا، نیکیتین و ملگونف بیشتر از سایرین به بازنمایی مفاهیم و مقوله‌های دینی مردم گیلان توجه کرده‌اند. دین و مذهب آموزه‌ای از باورها، ارزش‌ها و مناسکی است که عاملی برای حفظ انسجام جامعه نیز به شمار می‌رود؛ بر این اساس برخی از اعتقادات مذهبی و احکام دینی و همچنین نشانه‌ها و نمادهای مذهبی که پیروان یک شریعت را به یکدیگر متصل می‌کند، از جمله مقوله‌های کاربردی در این تحقیق‌اند که در سفرنامه‌های دوران قاجار به آن‌ها اشاره شده است؛ همچنین تمام شاخص‌های عملیاتی و زیرمقوله‌های استخراج‌شده از متن سفرنامه‌های مورد نظر این پژوهش، می‌توانند نشان‌دهنده بخشی از فرهنگ، معانی، رفتارها و مذهبی این منطقه از کشور باشند؛ در واقع این مقوله‌ها علاوه بر این که در جاهایی می‌توانند بازگوکننده صحیح و منطبق بر واقعیت باشند، در جاهایی نیز بر اساس نیت و هدف نویسنده یا گوینده، بازنمایی شده‌اند؛ مثلاً توصیف‌هایی از مراسم مذهبی مانند تعزیه یا حجاب زنان ممکن است با نگاهی شرق‌شناسانه همراه باشد که در آن، فرهنگ و مذهب شرقی به‌عنوان «دیگری» و متفاوت از فرهنگ غربی تصویر می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد که دین و مذهب نه تنها بخشی از زندگی فردی بود؛ بلکه به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه گیلان در دوره قاجار عمل می‌کرد. دیدگاه‌ها و نظریات و حتی جزئیات مذهبی مطرح‌شده در این سفرنامه‌ها، می‌توانند بیان‌کننده طبقه و دیدگاه‌های فکری و اجتماعی و حتی ایدئولوژی فرد نویسنده باشند که بر قضاوت، جهت‌گیری، نوع بیان وقایع و حتی گزینش کلمات توسط وی تأثیرگذارند. مطالعه آداب و رسوم، فرهنگ و جنبه‌های مختلف زندگی

ایرانیان همواره در کانون توجه سیاحان و شر شناسان بوده است. بررسی تصویر ترسیم شده از آنان در دوران‌های گذشته، در قالب سفرنامه در واقع بازنمایی تصویر ارائه شده توسط بیگانگان یا دیگران از افراد و جامعه خودی است. بر همین اساس با مطالعه و تحقیق در مقوله‌های مذهبی و سیاسی مطرح شده در سفرنامه‌های مذکور که توسط اروپاییان در دوران قاجار نوشته شده‌اند، می‌توان به شناخت بیشتر و دقیق‌تری از نوع قضاوت و نگاه آن‌ها درباره «خود» رسید و حتی پرده تحریف و بی‌توجهی به بیان واقعیات و حقایق را از این نوع آثار کنار زد؛ زیرا تصاویر ارائه شده در این آثار و نوشتارهای مشابه، صرفاً بر اساس رخدادهای بیرونی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در ساخت و پرداخت این تصاویر، همواره بخشی از داورها و پیش‌داوری‌ها دخالت داشته و دارند؛ در واقع تصویر «دیگری» از «خودی» همواره بر پایه پارادایم‌ها و ایدئولوژی‌های فرهنگ مؤلف و تصویرساز صورت می‌گیرد.

فهرست منابع

- احمدی، علیرضا (۱۳۹۷)، «گیلان و گیلانی‌ها از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی دوره قاجار»، *مجله تاریخ‌اندیش*، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۴۸.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷)، *درآمدی بر نظریه فرهنگی*، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹)، *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر*، تهران: نشر علم.
- آنه، کلود (۱۳۷۰)، *گل‌های سرخ اصفهان (ایران با اتومبیل)*، ترجمه فضل‌الله جلوه، چاپ اول، نشر روایت.
- بایندر، هانری (۱۳۷۹)، *سفرنامه هانری بایندر؛ کردستان، بین‌النهرین و ایران*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگسرا.
- بروگش، هاینریش (۱۳۷۴)، *در سرزمین آفتاب*، ترجمه محمد جلیلود، تهران: نشر مرکز.
- رابینو، ه.ل (۱۳۵۷)، *ولایات دارالمرز گیلان*، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- رنه، هانری (۱۳۷۸)، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر طاوس.

- ژوبر، پ. آمده (۱۳۴۷)، *مسافرت در ارمنستان و ایران به انضمام جزوهای درباره گیلان و مازندران*، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، *خاطرات مادام کارلا سرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات نقش جهان.
- کاساکوفسکی، ولادیمیر (۱۳۴۴)، *خاطرات کنل کاساکوفسکی*، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: نشر کاویان.
- لیلا کریمی، گراوندی، فریبا (۱۳۹۵)، «گیلان در آینه سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی (مطالعه موردی: جهانگردان آلمان و فرانسه)»، *همایش آمایش سرزمین، جایگاه خزر و چشم انداز توسعه گیلان*.
- مارچنکو، میترا فان کانستانتینوویچ (۱۳۷۱)، *سفری به ایران همزمان با انقلاب روسیه*، ترجمه م.ر. زین الدینی، قم: نشر مترجم.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹)، *سفرنامه شمال*، ترجمه منصوره اتحادیه، نشر گستره.
- ملگونیف، گریگوری ولریانوویچ (۱۳۷۶)، *کرانه‌های جنوبی دریای خزر*، ترجمه امیر هوشنگ امینی، چ اول، تهران: نشر کتاب سرا.
- نیکیتین، بازیل (۱۳۵۶)، *خاطرات و سفرنامه موسیو بازیل نیکیتین قنصل سابق روس در ایران*، ترجمه علی محمد فره وشی، تهران: انتشارات کانون معرفت.

Hall, Stuart (2003), *Representation*, London, Sage Publication.

- Hatam, Zahra & Arian, Foad & Salimi, Khadijeh (2015), "Social and Cultural Images of Qajar-Iran Customs in European Travel Diaries", *Asian Culture and History*, pp. 29-41.
- Mahdavi, Shireen (2005), "Shahs, Doctors, Diplomats and Missionaries in 19 century Iran", *British Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 32, No. 2 (Nov., 2005), pp. 169-191. <http://www.jstor.org/stable/30037691>
- Mahdavi, Shireen (2012), "Everyday Life in Late Qajar Iran", *Iranian Studies*, 45(3), 355-370. <http://www.jstor.org/stable/41445214>
- Hall, Stuart (1997), *Representation Cultural Representations and Signifying Practices*, LONDON, SAGE Publications.
- Hall, Stuart. Hobson, Dorothy. Lowe, Andrew, Willis, Paul (2004), *Culture, media, language: Working papers in cultural studies, 1972-79*, The Centre for Contemporary Cultural Studies, USA: Routledge.

Transliteration

- Akbari, Hamid Reza and Gholamalizadeh, Khosrow and Tafakkori Rezaei, Shoja. (2019). The Representation of Social Actors in Dar Boyer- Ahmad within Van Leeuwen's Framework (A CDA Approach), *Literary Text Research*, Year 23, No. 82, pp. 165-139.
- Allemagne, Henry Rene d. (1999). *Du Khorassan au pays des Backhtiaris: trois mois de voyage en Perse*, translated by Gholamreza Sami'i, Tūs Publishing House.
- Anet, Claude. (2011). *Laperse en Automobile*, translated by Fazlollah Jelveh, first edition, Revāyat Publishing.
- Azad Aramaki, Taghi (2009). *History of Social Thought in Islam from the Beginning to the Contemporary Period*, Tehran: 'Elm Publishing.
- Binder, Henry. (2010). *Au Kurdistan en Mesopotamie et en Perse (mission scientifique du Ministere de l'Instruction publique*, translated by Keramatullah Afsar, Farhangsara Publishing House.
- Brugsch, Heinrich Karl. (1995). *Im lande der Sonne*, translated by Mohammad Jalilvand, Tehran, Markaz Publishing House.
- Jaubert, Pierre Amedee Emilien Probe. (1968). *Voyage en Armenie et en perse, fait dans les annees 18 e5 et 1806*, translated by Ali Qoli Etemad Moghadam, Iranian Culture Foundation Publishing House.
- Kosogovskii, Vladimir Andreovich. (1965). *Colonel Kosogovskii's memoirs*, translated by Abbasgholi Jali, Tehran, Kāvīān Publishing House.
- MacKenzie, Charles. (1980). *Travelogue of the North*, translated by Mansoureh Ettihadieh, Gostareh Publishing House.
- Marchenko, Mitrofan konstantinovich (1982). *M.Martchenko Un voyage en perse pendant la revo lution Russe*, translated by M.R. Zain al-Dini, Qom, Translator's Publishing House.
- Melgunov, Grigoriy Valerianovich. (1987). *Das sudliche ufer des kaspischen Meeres, oder die Nordprovinzen Persiens*, translated by Amir Houshang Amini, Tehran, first edition, Ketab Sarā Publishing House.
- Nikitine, Basile. (1987). *Memoirs and travelogue of Monsieur Basile Nikitine, former Russian consul in Iran*, translated by Ali Mohammad Farahvashy, Tehran, Kānūn-e Ma'refat Publications.
- Orsolle, Ernest. (2003). *Le Caucase et La perse*, translated by Ali Asghar Saeedi, Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Rabino, Hyacinth Louis. (1978). *Les provinces caspiennes de la Perse: le Gilan*, translated by Jafar Khomamizadeh, Rasht, Iranian Culture Foundation Publishing House.
- Serena, Carla. (1999). *Memoirs of Madame Carla Serena, People and Rituals in Iran*, translated by Ali Asghar Saeedi, Tehran, Naqš-e jāhān Publishing House.
- Smith, Philip Daniel (2008). *Cultural theory: an introduction*, translated by Hassan Pouyan, Tehran: Cultural Research Office.

The Reflection of Religious Practices and Symbols of Guilanis in Qajar-era Travelogues

Extended Abstract

Introduction: One of the most effective ways to understand various phenomena related to political and economic structures, as well as public and social culture, is to examine the perspectives of external observers. Travelers and explorers who visited Guilan for various purposes and documented their experiences in travelogues or memoirs provide valuable insights into these aspects.

During the Qajar period, Iran's interactions with certain advanced and powerful nations seeking a stronger presence in the region expanded significantly. As a result, Iranians encountered foreigners from distant lands, a situation that—whether intentionally or unintentionally—shaped social structures, values, and everyday life, leading to significant transformations during this historical period. Given its proximity to Russia and access to maritime routes to the West, Guilan held particular strategic importance.

This study employs Stuart Hall's theory of reflexivity to analyze the religious practices and symbols reflected in these travelogues. Hall emphasizes the complexity of representation. Accordingly, the central research question is: How are the religious practices of Guilanians portrayed in Qajar-era travelogues?

Methodology: This study utilizes quantitative content analysis to examine the travel accounts of 13 European travelers, including Joubert, Rabino, Serna, Melgunov, Binder, Mackenzie, Orsel, Kasakovsky, René, Anne, Nikitin, Marchenko, and Brugsch.

The unit of analysis in this research is the paragraph. All religious concepts, references, and indicators mentioned in the travelogues were identified. Through open coding, relevant sentences and phrases aligned with the study's objectives were extracted. Subsequently, axial coding was applied to eliminate redundant codes and merge overlapping ones.

Finally, by categorizing selected concepts and conducting initial and selective coding, three main categories within the study's religious framework were identified:

- 1-Rituals and Religious Symbols (7 operational indicators)
- 2-Islamic Rulings (8 operational indicators)
- 3-Religions (4 operational indicators)

Analyzing these categories enables the researcher to address the study's research questions and objectives effectively.

Findings: The collected data were categorized into three main

themes: "Rituals and Symbols", "Islamic Rulings", and "Religions". The findings indicate that within the "Rituals and Symbols" category, the most frequently referenced elements were religious sites, followed by mentions of prayers and supplications, prophets and imams, and clergy. In the "Islamic Rulings" category, travel writers most frequently discussed the concept of hijab (veiling), the impurity of non-Muslims, and alcohol consumption.

Within the "Religions" category, Islam was the most frequently mentioned religion, followed by Christianity. Among the travelogues examined, Rabino (26.1%), Carla Serena (17.4%), and Nikitin (14%) dedicated the highest proportion of their accounts to religious aspects of Guilan.

Discussion and Conclusion: The operational indicators and subcategories extracted from the selected travelogues reflect key aspects of the culture, beliefs, behaviors, and religious life of this region. While some representations may provide accurate depictions of reality, others are shaped by the intentions and perspectives of the writer, influenced by their personal background, social position, and objectives. The views, interpretations, and religious details highlighted in these travelogues often reveal the author's ideological stance, intellectual outlook, and social class, which in turn influence their judgment, narrative style, choice of events, and even linguistic expressions.

The study of Iranian customs, traditions, and religious practices has long been of interest to travelers and Orientalists. Examining the portrayal of Iranian society in historical travelogues provides valuable insights into how foreign travelers have represented the people and culture of Guilan.

For future research, it is recommended to:

- Compare the findings from Guilan's travelogues with those from other regions of Iran.
- Apply both quantitative and qualitative content analysis methods in historical studies.
- Explore additional themes in travelogues beyond religious aspects.

Keywords: Hall's representation, religious practices, travelogue, Qajar era, Guilan.